



بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه اول

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۸۶۲/ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۲۶ و پیرو نامه شماره ۹۵۵۱ مورخ ۱۰/۶/۶۲ و نامه شماره ۱۰۰۴۰ مورخ ۱۳۶۲/۹/۱ و با توجه به امر حضرت امام دامت برکات و در ذیل نامه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۸ ریاست محترم جمهوری اسلامی به معظم له مواردیکه در لایحه تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی از لحاظ انطباق با موازین شرعی به تائید اکثریت فقهاء شورای نگهبان نرسیده جهت اصلاح متن لایحه مذکور اعلام میشود:

۱- اطلاق مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و مواد متعدد دیگر که شامل کفار میشود باید مقید شود در مورد آنان حکم خاص آنان ذکر شود که هر کدام از این عملیات را اگر منافعی با امان است یا با اشتراط ترک آن بر آنها مرتکب شوند حکم کافر حربی را خواهند داشت و با عدم منافعی با امان و عدم اشتراط بر آنها تعزیر خواهند شد.
۲- اطلاق ماده ۸ چون شامل مواردی میشود که خلاف تعهد و قرارداد جمهوری اسلامی عمل نکرده باشد و دولت بیگانه ای که علیه آن جاسوسی کرده دولت اسلامی نباشد با موازین شرعی مطابقت ندارد.

۳- ماده ۱۴ نظریه اینکه مفهومش حصرونی حکم مذکور از سایر موارد مشابه است با موازین شرعی انطباق ندارد.

۴- اطلاق ماده ۱۲ و ۱۸ نیز در مورد اموالیکه شرعاً ملک صاحب اول است و مالک آن مجهول نمیشود با موازین شرعی انطباق ندارد. و به فرض که مجهول المالک باشد به نفع دولت ضبط نخواهد شد و چنانچه در بندهای آینده این نامه خواهد آمد معمول میشود.

۵- در مورد ماده ۱۹ نظریه اینکه به مواد ۴۸ و ۴۹ از تبایط داده شده بنظر میرسد اشتباه باشد. موارد مربوطه را تعیین فرمایند تا بررسی شود. (ب) م

۶- اطلاق مثل ماده ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۲ و ۸۲ و ۸۳ چون ظاهر در اعم از خساراتی است که شرعاً بواسطه مباشرت یا تسبیب ضمان دارد مقید به خصوص این موارد گردد.

۷- در ماده ۲۵ و ۲۷ نظریه اینکه بعضی مجازاتهای اداری مثل انفصال ابد در مجازات کافی بنظر میرسد علاوه کردن مجازات دیگر و همچنین تعیین حداقل تا بید نکردید.

۸- در ماده ۲۸ موضوع دو ماده ایکه به آن اشاره شده و راق نیست، پس از اصلاح و رفع ابهام بررسی میشود.

۹- در ماده ۳۹ نظریه اینکه جرم مذکور در مورد فرار دادن متهم اخفا از محکوم به حبس دائم یا رجم و صلب است مساوی قرار دادن تعزیرات آنها به تائید نرسید.

صفحه دوم

- ۱۰- اطلاق ماده ۴۷ نسبت به آثار و اشیا مذهبی که ملک شخصی باشد منطبق با موازین شرعی نیست اگر بتوان شایع و ضرورت در محدوده فرمان حضرت امام مدظله ترتیبی داده شود ممکن است برای آن تعزیر مناسبی در نظر گرفته شود.
- ۱۱- ماده ۵۴ و ۵۵ نسبت به غیر ماورین در مورد تقلب در اوراق تعرفه متناهیست میباید در رفع تعارضت لازم است.
- ۱۲- ماده ۵۸ در صورتیکه عمل میباید موجب دیه یا قصاص گردد هر چند موجب قتل نشود بحسب مورد دیه یا قصاص خواهد داشت مگر آنکه شرعاً مرتب عنوان سبب اقوی از میباشناخته شود و اگر متهم فوت نماید اگر قتل خطا یا عمدی شبه عمد باشد حکم هریک مجری خواهد شد و مرتب نیز اگر بعنوان سبب اقوی از میباشناخته نشود در قتل غیر عمد تعزیر و در قتل عمد مجازات آمریه قتل را خواهد داشت.
- ۱۳- ماده ۵۹ ابهام دارد و ممکن است به این صورت رفع ابهام بشود (در صورتیکه این عمل موجب قتل محکوم نگردد و موجب قصاص یا دیه باشد عاقل یا مرتد در صورتیکه سبب اقوی از میباشناخته باشد حبس تا سه سال محکوم خواهد شد و اگر موجب قتل او شده باشد تطبیق ماده ۵۸ عمل خواهد شد) و تبصره نیز به این نحو اصلاح شود: (مگر به قتل از این ماده مستثنی است و به قصاص محکوم میشود).
- ۱۴- در ماده ۶۱ اجراء تعزیر در ملا عاقل به نظر حاکم موکول شود.
- ۱۵- در مثل ماده ۶۲ که عاقل و مرتد ذکر میشود باید محکومیت آمریه قصاص یا دیه مقید شود بصورتیکه سبب اقوی از میباشناخته.
- ۱۶- در ماده ۶۵ جمع بین اکثر مقدار شلاق و انفصال ابد نیز به تأیید نرسید.
- ۱۷- ماده ۶۶ با توجه به اینکه در مقام بیان موارد حکم تمییز شدتاً باید گردید.
- ۱۸- تبصره ماده ۷۰ به این صورت اصلاح شود: (هرگاه محتمل باشد که راشی).
- ۱۹- در ماده ۷۱ نسبت به اولیا مرقوم شود در صورت تجاوز از حدتاً دیه نحو مناسب با توجه به اینکه جانی ولی مجنی علیه است تأدیب شود.
- ۲۰- در ماده ۷۴ چون اطلاق آن شامل موارد عذر موجه و مقبول میشود مقید به غیر مقبول شود و نسبت به تأدیه خسارات وارده نیز به تأیید نرسید.
- ۲۱- در مواد ۸۰ و ۸۲ و ۱۱۶ و ۱۲۰ زاید از اکثر مقدار تعزیر مقرر شده است و به این ملاحظه به تأیید نرسید.
- ۲۲- ماده ۸۶ که حداکثر راسی ضربه شلاق معین کرده است به تأیید نرسید مناسب است با ماده ۸۷ ادغام شود. بدیهی است قاضی مناسبات را هم از جانب جانی و هم از جانب مجنی علیه ملاحظه مینماید و تبصره ۸۷ نیز تأیید نشد.



مفهوم

۲۳- ماده ۸۹ نیز نظریه اینک که مقدمات جرم مثل مقدمات اخلاء و ایحاء اگر خود جرم به آنها حاصل نشود تمیز بر ندارد تا باید نگردید.

۲۴- در ماده ۹۲ شرط اینک که دفاع متناسب با خطر باشد تا باید در سیدولی شرط عدم امکان دفاع به اسهل در دفاع به اشکال لازم است.

۲۵- در ماده ۹۳ هر دفاع از مال در رد هر فعلی که بموجب مواد مربوط به سرقت جرم محسوب میشود تا بینه نشد. و به این صورت قابل اصلاح است: (برای رد هر فعلی که تجاوز و تصرف در مال غیر از طرف ما مورد دولت یا فرد دیگری مجوز قانونی نداشته باشد).

۲۶- در ماده ۹۶ در بند ۱ تقبیح جرح و آزار به شدت تا باید نگردید.

۲۷- ماده ۱۰۶ به تا باید نرسید. هرگاه کلمه (ملزم) به (مجاز) تبدیل شود رفع اشکال میشود.

۲۸- در ماده ۱۰۷ نیز جمله (دعوی حقوقی) به جمله (هر دعوائی) تبدیل گردد.

۲۹- ماده ۱۰۹ مجمل است اگر جمله شروع به سرقت مقدماتی را که فی حدنفسها مباح است شامل شود مضافاً بر موازین شرعی است و اگر مقصود مقدماتی است که فی حدنفسها حرام است مثل بالارفتن از دیوار خانه غیر با داخل شدن در خانه غیر عبارت را به نحوی که ظاهر در معنی دوم باشد اصلاح فرمایند.

۳۰- در ماده ۱۱۵ و زشکسته به تقصیر اصطلاحی شرعاً مجرم نمیباشد چنانچه مواردی در نظر بوده است که مجرم است خصوص موارد را مرقوم فرمایند تا بررسی شود.

۳۱- در ماده ۱۱۶ علاوه بر جمع بین اکثر مقدمات تعزیر و حبس که قبلاً نیز ذکر شده نسبت به تبصره آن نیز ابراه و وارد به شروع به سرقت در شروع به کلاهبرداری وارد است

۳۲- در ماده ۱۲۵ اگر نظریه معادلیق خیانت در امانت باشد اگر چه مضربه مصالح شخصی هم باشد ممنوع است و اگر مصالح ملاحظه مصالح عمومی و سوء استفاده است چون ماده اجمال دارد بعضی معادلیق آن مذکور شود تا با رفع ابهام قابل بررسی گردد.

۳۳- در ماده ۱۲۸ عبارت (مرتکب بر اساس ...) به این نحو اصلاح شود (بر اساس موازین شرعی دیه خواهد داشت) .

۳۴- ماده ۱۳۵ اطلاق این ماده چون شامل کسیکه مالک عین و منفعت یا مالک منفعت باشد میشود و همچنین شامل موردیکه داخل شونده در ملک غیر به حکم قاضی دادگاه که مستند به اقرار یا ارتکاب جرم از روی علم و عمدتاً شدتاً میباشد موازین شرعی منطبق شناخته نشد.

۳۵- در ماده ۱۳۹ در فروش اموال در موردیکه الزام محکوم علیه بر فروش اموال با عمل به مراتب امریه معروف یا حبس و ممکن باشد موازین شرعی مضافاً است و در تبصره نیز چنانچه محکوم علیه اجیر دیگری باشد حبس او جایز نیست.

ملحه چهارم

۳۶- در ماده ۱۴۰ در صورتیکه بتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید نیز قابل تعزیر است مگر آنکه در مقام تظلم به مقامات باشد که در بعضی موارد اگر اثبات هم ننمود تعزیر ندارد.

۳۷- ماده ۱۴۶ در مورد پولها شیکه مرتکبین بدست آورده اند اگر مالک آنها معلوم باشد به مالک مسترد میشود و الا حکم مجهول المالک را دارد که به بیت المال واریز میشود و دولت طبق قانون آنرا به مصرف صدقه فقرا میرساند، عبارت "با نظر حاکم مدفوعه داده میشود" نیز به همین ترتیب باید اصلاح شود.

۳۸- در مواد ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۵ در صورت تخلف از نظامات دولتی عضو مصدوم از جانی و یا گرفتن دیه دخالت در اجرای تعزیر و عدم آن که بنظر حاکم موکول است ندارد و (عدم مهارت) نظریه اینک شامل غیرموارد تخلف از نظامات دولتی است که از جمله آنها بی احتیاطی است حذف شود.

۳۹- تبصره ماده ۱۵۴ از لحاظ اینکه صدور حکم را در مورد دعوی عمومی که مقصود همان حکم به تعزیر است به تقاضای دادستان موکول کرده به تأیید نرسید.

۴۰- در ماده ۱۵۶ تفسیریه به بار اول صحیح بنظر نمی رسد و اگر چه مجازات مقرر در این ماده اشکال ندارد ولی بنظر کلی در صورتی که وارد محکومیت به شلاق تبدیل آن به حبس مناسب یا پرداخت وجه نقد یا تعطیل محل کار یا خواباندن وسیله نقلیه که ملک مرتکب باشد در مدت معین بنظر قاضی و با موافقت و قبول شخص مجرم از جهت اینکسه از معادین تعزیر به اخفاست جایز است.

۴۱- چون بسیاری از مواد نسبت به اعدا شرعیه مثل جهل و عدم توجه و اشتباه اطلاق دارند ضمن ماده ای تقیید همه مواد بصورت علم و عمد و التفات عنوان شود. بدیهی است در مسئله دیات و ضمانات اطلاق مواد از این لحاظ قابل تقیید نیست.

۴۲- چون در تعزیرات نظر حاکم در تعیین نوع و مقدار تعزیرات و عقوبات مجرم شرعاً معتبر است و تعیین مقدار خاس در بعضی موارد موجب تعطیل تعزیر مناسب و لازم و در بعضی موارد موجب ظلم بر مجرم میگردد لذا اینگونه تعیینها نیز مغایر با موازین شرعی است و باید لایحه از این جهت هم اصلاح شود که با این اصلاح قسمتی از ایراداتیکه در بندهای نامی به آن اشاره شده است مرتفع میشود.

دبیر شورای نگهبان

لطف الله صافی